

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴۰ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

شنبه ۷ تیر ۱۴۰۴ • ۲ محرم ۱۴۴۷ • ۲۸ ژوئن ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۴۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۹:۴۵ • اذان صبح فردا ۳:۰۵ • طلوع آفتاب ۴:۵۱

نکته‌خوانی

درس‌های تخصصی مدیریت بحران از جنگ ۱۴روزه



زینب نصیری

مشاور اجتماعی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

علی‌رغم تصریح سند ملی مدیریت بحران مبنی بر ارائه کمک‌های اولیه روان‌شناختی و حمایت‌های روانی اجتماعی از لحظات اولیه وقوع بحران، همچنان نه‌تنها یکپارچگی فرایندی در بین دستگاه‌های مسئول و همکار محقق نشده است، بلکه بسیاری ضرورت ارائه خدمات مذکور هم‌زمان با ارائه اقدامات امداد و نجات و مداخلات پزشکی را زیر سؤال می‌برند!

ضروری است مکانیسم‌های پاسخ‌گویی روانی اجتماعی در زمان وقوع بحران مجدداً مورد بازبینی، تمرین و توافق دستگاه‌ها قرار گیرد.

نه‌تنها سایر متخصصان و امدادگران از ظرفیت‌های تیم‌های حمایت روانی-اجتماعی در زمان بحران اطلاع ندارند، بلکه بسیاری از متخصصان حرفه‌ای از ظرفیت‌های دانشی، تخصصی، سازمانی و مهارت‌های هم‌تیمی‌های خود در رشته‌های مختلف مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی، روان‌پرستاری و... مطلع نبوده و بنابراین نمی‌توانند از تمام ظرفیت‌های تیم بهره‌مند شوند. بعضاً مشاهده می‌شود به جای کار تیمی و تمرکز بر فراطرفیت‌ها، رقابت‌های تخصصی مانع از هم‌افزایی در شرایط بحران می‌شود.

علی‌رغم اینکه می‌دانیم در شرایط اضطراری احتمال حرکت جمعیتی در بین شهرها بسیار بالاست و این موضوع تعادل ارائه خدمات مبتنی بر جمعیت را دچار اشکال می‌کند، اما به نظر می‌رسد همچنان با شرایط مطلوب برای تبدیل و بازآرایی سازمانی جدید در قالب استان‌های معین (در مخاطره رزله) با استان‌های میزبان در شرایطی مانند جنگ تحمیلی اخیر فاصله داریم. کاهش این فاصله مستلزم کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، پیش‌بینی ظرفیت مازاد، طراحی سازمان دوم، آموزش فراگیر و برابر در تمامی استان‌ها و آموزش یکپارچه مبتنی بر فرایند واحد بین دستگاهی است. مبتنی بر رویکرد کوه یخ، توجه به آسیب‌دیدگان غیرمستقیم (پنهان)، در کنار آسیب‌دیدگان مستقیم (آشکار) ضروری است. در همین راستا پیش‌بینی پروتکل‌های ارائه حمایت‌های روانی-اجتماعی برای هر دو گروه توسط تمامی دستگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات مورد تاکید است.

تدوین پروتکل‌های تخصصی مدیریت بحران با نگاه به نیازهای افراد دارای معلولیت، کودکان، سالمندان، مادران باردار، افراد با نیازهای خاص، افراد ساکن در مراکز نگهداری و... مورد تاکید است. ضروری است تمام سازمان‌های متولی، تدوین پروتکل‌های مربوطه را در اولویت قرار دهند.

تقویت سیستم‌های پدافند غیرعامل کشور با تاکید بر بازتعریف پدافند غیرعامل در شرایط نبرد ترکیبی، پایداری زیرساخت‌های حیاتی کشور، بازنگری در اولویت‌های بودجه‌ای پدافند غیرعامل با تاکید بر سرمایه‌گذاری در حوزه‌های امنیت اطلاعات، سلامت روان جامعه، اعتماد و انسجام اجتماعی، آموزش به نیروی انسانی دستگاه‌ها، توانمندسازی جوامع محلی و به‌طور کلی افزایش تاب‌آوری اجتماعی و آمادگی روانی و اطلاعاتی مردم می‌بایست در اولویت قرار گیرد.



جامعه پزشکی ایران یک بار دیگر در یکی از سخت‌ترین آزمون‌ها، زیر بمباران، دود و انفجار پایبندی خود به سوگند در ایفای وظایف اجتماعی‌اش را به اثبات رساند. جامعه ما پایمردی پزشکان ایرانی در جنگ ایران و عراق را هنوز در یاد دارد. فراموش نکرده است که در بحران کرونا چگونه با کمترین امکانات و با وجود مفاک دهشتناکی که شبه‌علم گسترده بود، به راهیی کشور از این بحران یاری رساند. به همین ترتیب پایمردی جامعه پزشکی ایران در جنگ ۱۲روزه را هم از یاد نخواهد برد. روزهایی که نه‌تنها آسمان از دودهای جنگ و بلا پر شده بود، بلکه اذهان هم آکنده بود از تصوراتی که جز تردید و بی‌اس نمی‌پرکندند؛ تردید در چیزهایی که بدیهی بود و بایس از آینده‌ای که پیش از آن هم امیدیی به آن نمی‌رفت.

در روزهایی که کار روزانه، راند بخش، ویزیت بیماران سریایی، حضور در اتاق عمل و... یکاری بزرگ شده بود، جامعه پزشکی ایران جاخلی نداد. جوانانی که حساس‌ترین مشاغل را به شکل آموزش حین خدمت عهده‌دار بودند. جوانان دستکاری که جامعه و وزارت بهداشت هنوز موفق به رعایت حقوق انسانی حداقلی ایشان نشده است، بی‌ریا شبانه‌روز در خدمت بیماران بودند. و چه خانواده‌هایی که به خاطر همین مسئولیت فرزندان جوانشان با هراس بمباران در خانه‌های خود مانده بودند و هر

در میانه جنگ جهانی دوم و بمباران لندن توسط ارتش نازی، چرچیل در اقدامی نابجردانه و عجولانه که با واکنش‌های جدی روان‌شناسان برجسته‌ای مانند دونالد وینیکات و جان بالبی مواجه شد، دستور داد کودکان برای پرهیز از خطر بمباران از خانواده‌هایشان در لندن جدا شده و به پانسیون‌هایی در حومه لندن فرستاده شوند. پیامد چنین دستوری را چند دهه بعد روان‌شناسان در تحقیقاتشان نشان دادند که اغلب این کودکان در بزرگسالی با اختلالات روانی متعددی دست‌وپیچه نرم می‌کردند.

اکنون پس از متوقف‌شدن تجاوز رژیم اسررائیل به ایران، وزیر بهداشت به‌عنوان مهم‌ترین مسئول متولی سلامت در کشور از تعداد کشته‌ها و مجروحان این تجاوز خبر می‌دهد و به‌نوعی بر آسیب‌های فیزیکی جنگ تاکید می‌کند. درحالی‌که تحقیقات صدساله روان‌شناسان نشان می‌دهد نمی‌توانیم صرفاً به پیامدهای فیزیکی جنگ بر انسان‌ها توجه کنیم و بی‌توجه به امنیت روان آنها باشیم‌که عواقبی بلندمدت و گسترده‌تر از پیامدهای فیزیکی جنگ بر جای می‌گذارد که ممکن است در حال حاضر مشهود نباشد.

بنابراین اکنون با در نظر گرفتن اهمیت امنیت روانسی باید به موارد زیر توجه کرد تا شدت و عمق آسیب‌های روان‌شناختی ناشی از بحرانی مانند جنگ کاهش یابد و امنیت روانی آسیب‌دیده التیام یابد. ابتدا باید از ماهیت آسیب‌های جنگ بر روان آگاه شد و سپس به راهکارهایی برای التیام پرداخت. اولین و مهم‌ترین آسیب روان‌شناختی جنگ برهم‌خوردن نظم روزمره است. مغز انسان برای کارآمدی بهتر و سریع‌تر نیاز به برقراری نظم‌هایی در زندگی روزمره دارد و در برابر هرگونه بی‌نظمی هشدار می‌دهد و مقاومت می‌کند. اما جنگ به‌صورت موقت نظم‌های برقرارشده را برهم می‌زند و در نتیجه این آشفتگی، مغز یکی از مهم‌ترین کارکردهایش را که پیش‌بینی و برنامه‌ریزی است، از دست می‌دهد و در نتیجه انسان مضطرب می‌شود. توجه داشته باشیم که حملات هکری به بانک‌ها نیز برای تشدید آشفتگی ذهن مردم و برهم‌خوردن توان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد. علاوه بر چنین اضطراب موقعیتی در نتیجه فقدان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی، دومین آسیب جنگ سر باز می‌کند و آن اضطراب وجودی است که در نتیجه محتمل‌بودن عینی مرگ نیز جلوگیری می‌شود و این چنین معنای زندگی نیز با بحران مواجه می‌شود؛ بحرانی که تا پیش از این در لایه‌لای زندگی روزمره پنهان شده بود.

حال، این دو آسیب روان‌شناختی به‌هم‌پیوسته به ما نشان می‌دهند که امنیت روانی در جنگ چگونه مختل می‌شود و با چنین آگاهی‌ای راهکارهای زیر می‌توانند آسیب‌های روان‌شناختی جنگ را کاهش دهند:

۱. آگاهی و تجربه هیجان‌های منفی ناشی از جنگ؛ بدن و ذهن انسان دو



«علم‌ندان» یا «مقد علم» یکی از آیین‌های سنتی خراسان جنوبی است که هم‌زمان با شروع ماه محرم برگزار می‌شود و در بیرجند بیش از یک قرن قدمت دارد. آیین علم‌بندان در غروب آخرین روز ماه ذی‌الحجه برگزار می‌شود و برای اجرای هرچه باشکوه‌تر این آیین، سادات و بزرگان مقابل مسجد کرده‌م می‌آیند و بر تیر چوبی به ارتفاع سه تا پنج متر، پارچه‌های سیاه و سبز آویز می‌کنند. عکس: محسن نورفرستی، ایرنا

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

طب زیر آسمان کبود



بابک زمانی

نورولوژیست

وحشتی را تحمل می‌کردند تا فرزندشان از ایفای مسئولیت اجتماعی خود بازنماند. آن بخش از جامعه پزشکی که هنوز بر کار اصلی خود یعنی درمان مردم استوار مانده بود؛ پزشکان عمومی، متخصصان داخلی، عفونی، قلب، اطفال، زنان، جراحان ارتوپدها و... همه و همه آن کسانی که به بیماری و تروما به معنای مطلق آن می‌پردازند، همان‌ها که با کمترین تعرفه‌ها و بیشترین تحقیری که شبه‌علم و ضدعلم باعث آن می‌شود، روزگار می‌گذرانند. آنها که ذره‌ای به جانب زیبایی و کارهای غیرضروری منحرف نشده بودند، همان‌ها هستند که با حضور فعال خود در سخت‌ترین شرایط، چراغ امید را روشن نگه داشتند. مگر نه اینکه درمان مثل ارزاق عمومی از مهم‌ترین احتیاجات و دغدغه مردم است؟ در این

روان خوانی

به دنبال التیام روانی پس از جنگ



مهدی ملک‌محمد

روانشناس

ماهیت جدایی‌ناپذیر از یکدیگرند که به‌صورت تنگاتنگ از همدیگر مراقبت می‌کنند و سلامت هریک در گرو سلامت دیگری است. از این‌رو هیجان‌های منفی به‌منایه ارتعاش‌هایی از بیرون که بدن را با خطر بقا مواجه کرده تجربه می‌شود و صرفاً به‌عنوان زنگ هشداریی است که می‌خواهد ما را از خطرات احتمالی بیرون آگاه کند تا ما اقداماتی برای حفظ بقای خویش انجام دهیم. اما هر هیجان منفی‌ای مانند ترس، خشم یا غم صرفاً براساس واقعیت‌های بیرونی شکل نمی‌گیرد؛ ممکن است تجربه‌های قبلی و تروماهایی که فرد در طول زندگی‌اش تجربه کرده و در جریان زندگی روزمره سرکوب شده و به فراموشی سپرده شده است، در اثر بحرانی مانند جنگ دوباره سر باز کنند و هیجان‌هایی شدیدتر را بسازند؛ بنابراین باید ریشه‌های هر هیجان منفی مرتبط با جنگ و به‌طور خاص ترس را در عین مشاهده و تجربه مستقیم و پرهیز از سرکوب آن و طبیعی‌دانستش دریافت و از زمینه‌های وجودی و رشدی آن در طول زندگی به‌ویژه در دوران کودکی آگاه شد و به بازکاوی ارتباط این هیجان‌ها با ارتباط امن یا ناامن با والدین پرداخت. البته این موضوع نیاز به شرح و بسط دارد که از حوصله و مجال این یادداشت خارج است، اما در یک کلام، باید دانست کسی که در زمانه‌های بحرانی مانند جنگ بیش از دیگران ترس را تجربه می‌کند به احتمال بسیار زیاد رابطه ناامن با مادر و کودکی ناایمن را تجربه کرده است.

۲. غرق‌نشدن در اخبار جنگ؛ سازوکار روان توتی مطرح‌شده در بند قبلی همسو با سیستم بسیار حیاتی خودشفادهندگی بدن انسان عمل می‌کند. بدن انسان به‌گونه‌ای طراحی شده که در زمانه‌های بحرانی و آسیب‌زا به‌صورت خودکار التیام یابد، ولی برای کارآمدی چنین سیستمی باید موانعی را که به‌صورت آگاهانه در مسیر آن قرار می‌دهیم، برداریم. یکی از موانعی که در زمانه‌های بحرانی امکان عملکرد خودکار سیستم خودشفادهندگی را سلب می‌کند، غرق‌شدن در اخبار جنگ است. این مانع در زمانه‌ای که هر تلفن همراهی به‌مدد اینترنت تبدیل به یک رسانه شده، جدی‌تر می‌شود. ما براساس تمامی داده‌های عینی در یکی از امن‌ترین دوره‌های تاریخی



«علم‌ندان» یا «مقد علم» یکی از آیین‌های سنتی خراسان جنوبی است که هم‌زمان با شروع ماه محرم برگزار می‌شود و در بیرجند بیش از یک قرن قدمت دارد. آیین علم‌بندان در غروب آخرین روز ماه ذی‌الحجه برگزار می‌شود و برای اجرای هرچه باشکوه‌تر این آیین، سادات و بزرگان مقابل مسجد کرده‌م می‌آیند و بر تیر چوبی به ارتفاع سه تا پنج متر، پارچه‌های سیاه و سبز آویز می‌کنند. عکس: محسن نورفرستی، ایرنا

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

دوران نه‌تنها جامعه پزشکی اجازه نداد وقفه‌ای در درمان بیماری‌های معمول و روزمره پدید آید، بلکه درمان بیماران پیچیده و نادر هم متوقف نشد. همه اینها در حالی بود که رسانه رسمی از بحران و تنگنایی که مردم در آن دچار شده بودند برای جانداختن روایت و تلفی خود که تنها اقلیتی تماماً به آن معتقدند استفاده می‌کرد. روایتی که نمی‌توانست توجیه‌کننده همبستگی میلیونی و ملی مردم در دفاع از کشور باشد و بالطبع نمی‌توانست آن را تقویت کند. از سوی دیگر رسانه‌های خارجی که به طرز شگفت‌آوری با وجود قطع ارتباط مردم با یکدیگر در دسترس بودند، اخبار را به قیمت تحلیلی و روایت گاهی خائنانه خود در اختیار می‌گذاشتند. تحلیل‌هایی که در کمال پیررویی می‌خواست ثابت کند لازم است ما به‌مریم و نابود شویم! تا اوضاع درست شود؛ آن‌هم با تهاجم ارتشی که همین اواخر بیشترین درجات بی‌رحمی خود را با کشتار مردم بی‌گناه در صف نان در غزه به نمایش گذاشته بود. ارتشی که بی‌رحمی آن احتمالاً از خشونت مقدس و اساطیری ریشه می‌گیرد. مردم ما مدت‌هاست خشونت مقدس و ریشه‌های آن را می‌شناختند و به راحتی فریب نمی‌خوردن. غیرضروری فضای تیره و تاری که از در و دیوار فریب و ترس و دروغ می‌بارد، جای خالی خدمات پزشکی می‌توانست دردی مضاعف ایجاد کند که نکرد.

دوران نه‌تنها جامعه پزشکی اجازه نداد وقفه‌ای در درمان بیماری‌های معمول و روزمره پدید آید، بلکه درمان بیماران پیچیده و نادر هم متوقف نشد. همه اینها در حالی بود که رسانه رسمی از بحران و تنگنایی که مردم در آن دچار شده بودند برای جانداختن روایت و تلفی خود که تنها اقلیتی تماماً به آن معتقدند استفاده می‌کرد. روایتی که نمی‌توانست توجیه‌کننده همبستگی میلیونی و ملی مردم در دفاع از کشور باشد و بالطبع نمی‌توانست آن را تقویت کند. از سوی دیگر رسانه‌های خارجی که به طرز شگفت‌آوری با وجود قطع ارتباط مردم با یکدیگر در دسترس بودند، اخبار را به قیمت تحلیلی و روایت گاهی خائنانه خود در اختیار می‌گذاشتند. تحلیل‌هایی که در کمال پیررویی می‌خواست ثابت کند لازم است ما به‌مریم و نابود شویم! تا اوضاع درست شود؛ آن‌هم با تهاجم ارتشی که همین اواخر بیشترین درجات بی‌رحمی خود را با کشتار مردم بی‌گناه در صف نان در غزه به نمایش گذاشته بود. ارتشی که بی‌رحمی آن احتمالاً از خشونت مقدس و اساطیری ریشه می‌گیرد. مردم ما مدت‌هاست خشونت مقدس و ریشه‌های آن را می‌شناختند و به راحتی فریب نمی‌خوردن. غیرضروری فضای تیره و تاری که از در و دیوار فریب و ترس و دروغ می‌بارد، جای خالی خدمات پزشکی می‌توانست دردی مضاعف ایجاد کند که نکرد.

زندگی بشر قرار داریم، اما میزان و شدت هراس و ناامنی‌مان بیشتر از اغلب انسان‌های دوره‌های پیشین تاریخ است؛ چراکه آگاهی‌مان از خطرات بیش از پیش شده و هر خطری در هر نقطه‌ای بلافاصله به گوش ما می‌رسد و ما را هراسان می‌کند. برای آگاهی از این موضوع به دو رویدادی که در هفته‌ اخیر در دو نقطه از ایران رخ داد، توجه کنید. ساعت دو بامداد یکی از روزهای جنگ، ارتش رژیم اسررائیل به ساکنان منطقه ۱۸ تهران هشدار تخلیه می‌دهد. برخی از ساکنان آن منطقه و مناطق هم‌جوار از این هشدار آگاه می‌شوند و ولوله‌ای برپا می‌شود و در نتیجه چنین هراسی آنهایی هم که در خواب بوده‌اند بیدار می‌شوند. آنها که می‌توانستند از منطقه خارج می‌شوند و می‌روند و آنها که نمی‌توانند ساعتی را با اضطراب وجودی از سر می‌گذرانند. در نهایت، حمله‌ای که صورت می‌گیرد خطر چندان جدی‌ای را به وجود نمی‌آورد. در مورد مشابه دیگر، ارتش رژیم اسررائیل هشدار تخلیه شهرکی در شهر رشت را صادر می‌کند. باز هم آنها که مطلع می‌شوند به ناگاکانه خبر می‌دهند و ولوله‌ای برپا می‌شود و در نهایت کار به آنجا می‌رسد که استاندارد به میدان می‌آید و خبر می‌هد که حملات رژیم اسررائیل صرفاً توانسته بخش محدودی از شهرک صنعتی سپیدرود رشت را هدف قرار دهد و خطر دیگری جان ساکنان مردم رشت را تهدید نمی‌کند و از مردم می‌خواهد اسیر فریب شایعه‌سازان نشوند. حال با توجه به این دو مورد و موارد مشابه دیگر، در نظر بگیرید که اگر مانند صد سال قبل رسانه‌هایی مانند اینترنت و شبکه‌های تلویزیونی نبود، اوضاع چقدر متفاوت بود. در این موارد خبر سبب حفظ جان انسان‌ها نشده بلکه روان انسان‌ها را با خطر مواجه کرده است.

۳. حفظ ارتباطات اجتماعی؛ جنگ‌ها به‌صورت خودکار انسان‌ها را به انزوا می‌کشاندند و همین انزوا خطر ویرانی روان انسان را بیشتر می‌کند؛ بنابراین برای حفظ امنیت روانی باید ارتباطات اجتماعی را حفظ و حتی تقویت کرد و از هرگونه انزوایی دوری جست.

۴. زمانی برای التیام؛ جنگ در تحقیقات روان‌شناسان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین استرس‌زاها معرفی می‌شود که اگر موارد پیش‌گفته در نظر گرفته نشود، می‌تواند به فرسودگی و فروپاشیدگی روان منجر شود. برای پیشگیری از چنین پیامدی علاوه بر مواردی که پیش از این مطرح شد، باید برای ساخت و گسترش هیجان‌های مثبت نیز تلاش کرد. هر فعالیت معناداری از جمله بازی‌های مختلف که سبب ساز هیجان‌های مثبت می‌شود، راه را برای التیام و خودشفادهندگی هموارتر می‌کند. یادمان باشد که بحران‌های بزرگی مانند جنگ‌ها اگرچه بسترساز آسیب‌هایی جدی بر جسم و روان انسان‌ها هستند اما می‌توانند بسترساز رشد انسان از مسیر محک‌خوردن جدی میزان تاب‌آوری و خودآگاهی‌ای باشند که در نتیجه چنین محکی نصیبمان می‌شود.

شبکه‌خوانی

در ستایش وطن پرستی

این روزها بسیاری از چهره‌ها در شبکه‌های اجتماعی در ستایش وطن‌پرستی می‌نویسند؛ البته در این نوشته‌ها نسبت به عملکرد تندروهای سیاسی نگرانی‌های زیادی دیده می‌شود.

پرچم ایران

ماهور احمدی، دختر شاعر و نویسنده بزرگ ایران، درباره وطن‌پرستی دو کارگری که جسد پدرش را می‌شسته‌اند، نوشت. او نوشت: «پدرم در ظهر گرم ۲۰ تیر در خانه از این جهان رفت. پیکرش به بهشت زهرا رفت تا ۲۲ تیر به خاک سپرده شود. عاشق ایران بود و متفکر از ترمه، پس روی تابوتش پرچم ایران را کشیدم که عاشقش بود. صبح ۲۲ تیر با نوال، کاوه، پانیز و دایلی‌ام به بهشت زهرا رفتم تا برای آخرین بار پدرم شسته شود و از آنجا به بهشت فاطمه در مرادآباد برود و در قلب این خاک کاشته شود. روال کسانی که جایی دیگر به خاک سپرده شوند با دیگری که در بهشت زهرا به خاک سپرده می‌شوند متفاوت است. در این فاصله که تابوت آماده می‌شد، پرچم ایران را با نوال باز کردیم و روی نیمکتی گذاشتیم. پدرم را آوردند. مردی ناشنوا، با موهای کم‌پشت و حنایی، با لباسی سبز و چکمه‌های بلند سفید پدرم را آورد. انگار از فیلم‌های بونوئل بیرون آمده بود، با ایما و اشاره صحبت می‌کرد و نمی‌فهمیدم چه می‌گوید. دو همکارش آمدند و پدرم را در تابوت گذاشتند. برگشتم که پانیز و دایلی‌ام را پیدا کنم، دیدم دو مرد در شغلشان شستن عزیزان رفته ما بود، کنار نیمکت ایستاده‌اند و دو طرف پرچم را گرفته‌اند. قبل از اینکه ببرسم چرا، یکی‌شان گفت: شما حواست نبود، یاد پرچم ایران روی زمین انداخت. پرچم احترام دارد، نباید روی زمین باشد. ما نگهش می‌داریم تا کارتان تمام شود. تمام این روزها به صورت آن دو مرد وطن‌پرست فکر کردم. از صورتشان هیچ به یاد ندارم، مگر مهم است؟ آنها دو سرباز وطن هستند، سربازانی وطن‌پرست که عزیزان ما را برای آخرین بار می‌شویند، در این روزها به خیلی‌ها فکر کردم که کجا هستند و با این جنگ چه می‌کنند. خیلی‌ها را برای همیشه حذف کردم، چراکه معنای وطن را نمی‌دانند. به آن دو نفر که فکر کردم دلم گرم شد که در دنیای مردکان، وطن‌پرستانی هستند که می‌دانند جای پرچم روی زمین نیست.

سینه‌زنی برای ایران

امروز فیلمی از محمود کریمی که در عزاداری منتشر شده که «ایران» اثر زندیاد محمد نوری را تبدیل به نثر کرده است. اتفاقی عجیب که بسیاری در شبکه‌های اجتماعی نسبت به آن واکنش نشان داده‌اند. محسن حسام مظاهری، جامعه‌شناس حوزه دین، در این زمینه مطلبی با عنوان «در باب نسبت مناسک مذهبی و امر ملی» نوشته است و آن را نمونه خوبی از تغییر رویکرد دانسته و آرزو کرده این روند دنباله‌دار باشد.

او نوشته است: «در طول تاریخ ایران اسلامی، نمونه‌های موفق امتزاج و هم‌افزایی امر ملی و امر دینی (مذهبی) کم نبوده‌اند. مقاطعی که منافع ملی و منافع دینی تعاملی سازنده داشته و به‌جای رقابت و تعارض، در نسبیّت متعادل و متوازن قرار گرفته‌اند. محصل این تعادل و توازن تقویت ملیّت و نیز تثبیت نهاد دین بوده است. در مقابل مقاطعی نیز بوده‌اند که منافع این دو نهاد در تعارض با هم قرار گرفته یا نافی هم شده‌اند که طبعاً آسیب به هر دو وارد آمده است.

یکی از نقدهای وارد به روند توسعه شتابنده نهاد دین در دو دهه اخیر، به‌ویژه در گفتار رسمی و حکمرانی، غیبت امر ملی در شعارهای ایدئولوژیک (سیاسی و تقویت سویه‌های هویتی فرقه‌ای) بوده است.»

او در بخش دیگری از مطلب خود اشاره می‌کند: جنگ ۱۲روزه تلنگری است که اهمیت و حساسیت این موضوع را آشکار می‌کند. راه درست بازگرداندن مسیر سیاست‌گذاری مناسک به سمت جامعه و منافع آن است و این مهم میسر نمی‌شود مگر با اتخاذ تقویت جایگاه امر ملی و مفهوم «ایران». در مناسک مذهبی این موضوع حساسی است که متولیان، سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان و همه فعالان دینی باید آن را آویزه گوش کنند.»

۳۵۰۰ خانه

ایلنا: رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از پایان ارزیابی‌های ساختمان‌های آسیب‌دیده ناشی از حملات رژیم صهیونیستی خبر داد و گفت: در تهران ۳۳۲ ساختمان و حدود سه‌هزارو ۵۰۰ واحد آسیب دیده‌اند که بسته مالی و بازسازی برای این ساختمان‌ها تنظیم شده و به دولت تحویل داده‌ایم و اگر روز یکشنبه در هیئت دولت تصویب شود، جزئیات تأمین مالی خسارت و بسته‌های تسهیلاتی به مردم را اعلام خواهیم کرد. غلامرضا صالحی تأکید کرد: قانون، متولی بازسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده در جنگ را بنیاد مسکن تعیین کرده است.

۳ میلیارد دلار

بلومبرگ در گزارشی که سایت جماران به آن استناد کرده، از میزان خسارت موشک‌های کشورمان به اسررائیل خبر داده است. در این گزارش آمده است که ایران در ۱۲ روز جنگ با رژیم صهیونیستی، سه میلیارد دلار خسارت به این رژیم تحمیل کرد. این خسارت‌ها شامل ترمیم ساختمان‌های آسیب‌دیده از موشک‌های ایران و پرداخت غرامت به شرکت‌های مختلف است. استیو بنن، مشاور سابق ترامپ نیز گفت: وارد ماجرابی شدند که فراتر از توانشان بود. تا جایی پیش رفتند که دیکه رمقی برایشان نمانده بود.

یک خرس

یک خرس به فرودگاه یاماگاتا ژاپن رفت و باعث تعطیلی فرودگاه و لغو ۱۲ پرواز شد. این خرس سیاه در محوطه فرودگاه دیده شد و تلاش‌ها برای گرفتن او با خودروهای فرودگاه موفقیت‌آمیز نبود و در نهایت مسئولان فرودگاه مجبور به تعلیق و لغو برخی پروازهای این فرودگاه در شمال ژاپن شدند. برای گرفتن این خرس کوچک پلیس محوطه را محاصره کرد تا از فرار او جلوگیری کند. حمله خرس‌ها به انسان‌ها در ژاپن وارد شرایط تازه‌ای شده و از ۲۱۹ مورد حمله ثبت‌شده در سال گذشته، شش مورد منجر به مرگ شده است.